



آینده‌ی جهان در اندیشه‌ی اسلامی: روایت شیعی

داوود فیرحی^۱

مقدمه

آینده‌شناسی شیعه، همانند دیگر دیدگاه‌های این مذهب، بر نظریه‌ی "امامت و ولایت" استوار است. منابع کلامی و فقهی شیعه امامت را "ریاست عامه و عالی بر امور دین و دنیا" تعریف کرده‌اند (البحرانی، میثم ۱۷۴ / طوسی، رساله‌ی امامت ۱۵). امام بدین ترتیب، رهبر بالأصله‌ی جامعه‌ی اسلامی، جانشین پیامبر اسلام (ص) و سرپرست تمامی امور دینی و اجتماعی مسلمانان است. چنان‌که بسیاری از پژوهشگران اندیشه‌های اسلامی تأکید کرده‌اند، "امامت" تنها اصل اساسی است که شیعیان (دوازده امامی) را از دیگر فرقه‌های اسلامی متمایز می‌کند. به نظر محمدحسین آل کاشف‌الغطاء، امامت فرق جوهری و اصلی است و دیگر تفاوت‌ها همانند اختلاف مذاهب مختلف اهل سنت، امور فرعی، عرضی و اجتهادی هستند (آل کاشف‌الغطاء ۶۸). ناصر بن عبدالله الغفاری، پژوهشگر سنی، نیز می‌نویسد: امامت نزد شیعه همان اصلی است که احادیث شیعه بر محور آن می‌چرخد و عقایدشان به آن اصل بازمی‌گردد. این اصل اثر آشکاری در فقه و اصول و تفسیرها و دیگر علوم شیعه دارد. به همین لحاظ، شیعیان، اعم از قدیم و جدید، و در گذشته و حال، اهتمام خاصی به مسأله‌ی امامت دارند (الغفاری ۲: ۶۵۳). آل کاشف‌الغطاء توضیح می‌دهد:

شیعه امامت را همانند نبوت منصب الهی می‌داند؛ پس همچنان‌که خداوند سبحان کس [یا کسانی] را از میان بندگان خود به نبوت و رسالت برمی‌گزیند و او را با معجزاتی که همانند نص از جانب خداوند است تأیید می‌کند، برای امامت نیز آن‌که را می‌خواهد برمی‌گزیند و به پیامبرش دستور می‌دهد امامت او را با نص خاص تصریح کند و او را برای انجام وظایف رهبری مردم پس از پیامبر به امامت منصوب نماید. تفاوت امام با پیامبر تنها در این است که بر امام همانند پیامبر وحی نمی‌شود؛ بلکه احکام الهی بر او القا و الهام می‌شود. پس پیامبر مبلغ و پیام‌رساننده از جانب خداست و امام نیز از طرف پیامبر. سلسله‌ی امامت تا دوازده امام ادامه دارد که همواره امام قبلی بر امام بعدی تصریح و توصیه کرده است و شرط و تأکید کرده‌اند که همه‌ی آنان همچون پیامبر معصوم هستند (آل کاشف‌الغطاء ۶۸-۶۹).

۱. دانشیار دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.



گفتار فوق تمام اندیشه‌ی شیعه را درباره‌ی امامت همانند اصلی از اصول دین نشان می‌دهد. روشن است که آینده‌شناسی شیعه نیز بر مبنای همین اصل طرح و تعریف می‌شود. در سطور زیر، به اجمال، مختصات عمومی آینده‌شناسی شیعه را کاوش و ارزیابی می‌کنیم.

شیعه و آینده‌ی جهان

آینده‌ی جهان، مطابق اندیشه‌ی شیعه، بر محور امامت شکل خواهد گرفت. جامعه‌ی جهانی که در اندیشه‌ی شیعه پی آمد دولت جهانی مهدی آخرالزمان (عج) است، مختصات ویژه‌ای دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها را به اجمال اشاره می‌کنم.

تحقق عدالت

عدالت از جمله شاخص‌های بنیادی در جامعه‌ی آرمانی شیعه است که به اعتقاد شیعه از نتایج دولت مهدوی است. در روایتی بسیار مشهور آمده است: "قائم به امرالله در آخر الزمان همان مهدی است که زمین را پر از عدل و قسط می‌کند همچنان که قبل از ظهور او مملو از جور و ظلم شده بود" (صدوق، الاعتقادات ۹۸). از پیامبر اسلام (ص) نقل است که "مهدی (عج) چنان عدالتی در زمین می‌گستراند که زندگان آرزو می‌کنند ای کاش مردگان‌شان زنده بودند و در چنین وضعی می‌زیستند" (العاملی ۳: ۶۳۹ / مجلسی ۵۱: ۲۵۰). اما روایت بسیار جالبی از تحقق عدالت نیز وجود دارد:

بدانید به خدا سوگند! همچنان که گرما و سرما به درون خانه‌های مردم نفوذ می‌کند، عدالت او [مهدی] به درون خانه‌هایشان راه می‌یابد؛ اما والله! لیدخلن عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر و البر (نعمانی ۲۹۷ / مجلسی ۵۲: ۳۶۲ حدیث ۱۳۱).

برابری و رفاه

بخشی از شاخص‌های عدالت در جامعه‌ی آرمانی شیعه ایجاد رفاه، برابری و رفع فقر و تبعیض اقتصادی معرفی شده است. از پیامبر اعظم اسلام نقل شده است: "در آخر الزمان خلیفه و حاکمی می‌آید، بی‌آنکه صرفاً وعده دهد، به تقسیم ثروت بین مردم اقدام می‌کند" (الانصاری ۵۵). "مهدی (عج) در تقسیم اموال بین مردم به گونه‌ای به مساوات عمل می‌کند که نیازمندی پیدا نمی‌شود که مستحق زکات باشد (یسوی بین الناس حتی لاتری محتاجاً الی الزکاه)" (مجلسی ۵۲: ۳۹۰ حدیث ۲۱۲). "صاحبان زکات در پی نیازمندان می‌گردند ولی کسی نمی‌پذیرد. آن‌گاه

امام مقرر می‌کند که بیت‌المال هر ماه دوبار بین مردم به عنوان عطا و بخشش توزیع گردد. بخششی از اموال که تا آن زمان بی‌سابقه می‌باشد" (مجلسی ۵۲: ۳۹۰ حدیث ۲۱۲).

مهدی (عج) خطاب به بدکاران و مفسدان نیز با کنایه و طعنه می‌گوید: "بیاید! بگیرید آنچه را که به خاطر آن خویشاوندی را قطع می‌کردید و به ناحق خون‌ریزی کرده و مرتکب حرام می‌شدید و گناه می‌کردید!!" (مجلسی ۵۲: ۳۹۱ / نعمانی ۲۳۷ حدیث ۲۶). "او به طور مساوی تقسیم می‌کند و میان همه‌ی خلق خدای رحمان، اعم از نیک و فاجر، به عدالت رفتار می‌کند" (صدوق، علل الشرایع ۱: ۱۶۱ حدیث ۳). در این روزگار اقطاع (زمین‌هایی که حاکمان به طرق غیرمشروع به نام خود کرده‌اند)، زمین‌های مصادره‌ای دولت‌ها به صاحبان‌شان بازگردانده می‌شود، رباخواری زایل می‌شود و دزدی مفهوم خود را از دست می‌دهد (صافی ۴۷۶ / مجلسی ۵۲: ۳۰۹ حدیث ۱ و ۳۹۰)؛ زیرا زمین‌های این پدیده‌ها از بین می‌رود. زمین از عرضه‌ی تمام امکانات نهفته‌ی خود در زیر و روی کره‌ی خاکی دریغ نمی‌کند و سرسبزی و رفاه خرمی را بشارت می‌دهد و ویرانی‌ها رخت برمی‌کشد (صدوق، کمال‌الدین ۱: ۳۳۱).

نظم اجتماعی و عمران

نظم اجتماعی یکی دیگر از شاخص‌های جامعه‌ی آرمانی شیعه در دولت مهدوی است. روایات شیعه برخی از وجوه این نظم را ذکر کرده‌اند. از امام موسی کاظم (امام هفتم شیعه) نقل شده است که:

وقتی قائم آل محمد دولت خود را تشکیل دهد، ندا دهد که ای جماعت سواره از وسط راه حرکت کنید و ای پیادگان از طرفین مسیر تردد نمانید؛ زیرا اگر سواره‌ای به کناره‌ی مسیر منحرف شده و پیاده‌ای را آسیب رساند ملزم به پرداخت دیه خواهد بود و البته اگر پیاده‌ای وسط جاده آید و دچار آسیب شود دیه‌ای برای او پرداخت نخواهد شد (طوسی، تهذیب الاحکام ۱۰: ۳۱۴).

آن حضرت به ظرافت به نظم و آبادانی همت می‌کند؛ "بزرگراه‌ها را توسعه می‌دهد... هر مسجدی را که بر سر راه است و مانع گسترش بزرگراه‌ها باشد تخریب می‌کند. بالکن‌های مانع در مسیرها را می‌شکند، پنجره‌های گشوده بر مسیرها را می‌بندد. بالکن‌ها و فاضلاب‌ها و ناودان‌های مشرف بر معابر مردم را مسدود می‌کند" (مجلسی ۵۲: ۱۲۲ حدیث ۶۱).

اصلاح در امت

از پیامبر اسلام (ص) نقل است: "ظهور امام دوازدهم زمانی است که تغییرات و تحریقاتی در اسلام رخ داده و از اسلام جز نامی و از قرآن جز رسمی بر جای نمی ماند. پس او اسلام را آشکار نموده و دین را تجدید می کند" (بحرانی، هاشم ۱: ۱۴۳).

تکثر و مشروعیت ادیان ابراهیمی

هر چند در برخی روایات از گسترش گرایش عمومی به اسلام سخن گفته اند، این هرگز به معنای عدم تکثر و مشروعیت دیگر ادیان نیست؛ بلکه در جامعه‌ی آرمانی شیعه مقدمه‌ی توسعه‌ی دانش و آگاهی از دیگر ادیان نیز فراهم می شود. امام صادق (ع) امام ششم شیعه، خبر داده است:

هرگاه قائم ما قیام کند، اموال را به تساوی تقسیم می کند و بین نیک و فاجر از خلق الله به عدالت عمل می کند... او بدین لحاظ مهدی نامیده شده است که به متن اصلی تورات و دیگر کتب آسمانی دست یافته و بین اهل تورات به تورات و اهل انجیل به انجیل و بین اهل زبور به زبور و بین اهل فرقان به فرقان حکم می کند. و آنگاه اموال ظاهر و باطن زمین را جمع کرده و خطاب به مردمان می گوید؛ بیایید و بستانید آنچه را به خاطر آن روابط خویشاوندی بین خویشان خود را قطع کردید، و خون‌ها ریختید و مرتکب اعمال حرام شدید. چنان فراوانی و بخششی از اموال که تا آن زمانه سابقه ندارد (مجلسی ۵۱: ۲۹ / القرشی ۴۵).

روایات زیادی ظاهراً از وضعیت چند ملیتی و چند مذهبی بودن دولت مهدی سخن گفته اند؛ "عیسی بن مریم در میان امت من، داور (حکم) دادگری خواهد بود ... کینه و عداوت را از میان مردم برمی دارد" (طبری ۲۵۸). "در میان شما عیسی بن مریم عادلانه حکم خواهد راند" (مجلسی ۵۲: ۳۸۲). "مهدی به حکم داود (پیامبر) حکم خواهد کرد و نیازی به بینه ندارد" (عاملی ۳: ۵۴۷ حدیث ۵۳۹ / نعمانی ۳۱۵ حدیث ۷). "او چونان داود و سلیمان قضاوت می کند" (نعمانی ۳۱۳ حدیث ۵). در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: "چون قائم آل محمد قیام کند، از پشت کعبه بیست و هفت مردم [امیر] به او می پیوندند که بیست و پنج تن آنان از قوم موسی (ع) (یهود) هستند و به حق قضاوت می کنند و به عدالت عمل خواهند کرد" (عیاشی ۲: ۳۲ حدیث ۹۰ / مجلسی ۵۲: ۳۴۶ حدیث ۹۲).



اخلاق و آرامش

جامعه‌ی آرمانی شیعه، جامعه‌ای اخلاقی است. اهل دنیا به نیکی می‌گیرند و پاکی قلب‌های مردم آشکار می‌شود (طبرسی ۲: ۴۹۳). دل‌ها به عبادت و عدل و ادای امانت متمایل می‌شود (صافی ۴۷۴). بخل و جبن (ترس) از قلب‌ها کنده شده و شجاعت جانشین آن‌ها می‌شود (المغربی ۳: ۳۵۷). خشونت و حرص (شحناء) از دل‌ها می‌رود و زنان با زینت‌هایشان به تنهایی بین شهرها و بلاد می‌گردند (مجلسی ۱۰: ۱۰۴). مومنان در هر آیین و مذهبی عزیز می‌شوند (الاصول الستة عشر ۶). به خدا قسم ملت‌ها و ادیان اختلافات خود را رفع می‌کنند؛ "فوالله یا مفضل! لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف" (مجلسی ۴: ۵۳). اقتصاد با اخلاق پیوند می‌خورد، و سودخواهی مومن از مومن در معاملات چونان ربا مذموم خواهد شد (محقق البحرانی ۱۸: ۲۶). کافری نیست که ایمان نیاورد و بدکاری نیست که به صلاح نگراید (مجلسی ۵۲: ۲۸۰ حدیث ۲۰). و البته زمین از هر فریب و فریبکار (غاش) پالوده می‌شود (مجلسی ۵۱: ۱۲۰).

عقل و خلاقیت

"إذا قام قائمنا وضع الله یده علی روس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم". (آن‌گاه که قائم ما قیام کرد، خداوند دست رحمت و قدرتش را بر سر بندگان می‌گذارد، بدین‌سان خرد و اندیشه‌های انسانی به تکامل می‌رسد. تخیل و خلاقیت انسان اوج می‌گیرد (کلینی ۱: ۲۵ حدیث ۲۱). و زمینه برای رشد تکنولوژی و تحولات فنی فراهم می‌شود.

پیشرفت صنایع

امام صادق (ع) در حدیثی به این نوع از تکامل تصریح کرده است و می‌فرماید: "إن قائمنا إذا قام مد الله لشیعتنا فی اسماعهم و ابصارهم حتی لایکون بینهم و بین القائم برید، یکلمهم فیسمعون و ینظرون الیه و هو فی مکانه" (آن‌گاه که قائم ما قیام کند، خداوند بر قدرت شنوایی و بینایی شیعیان گسترش می‌بخشد؛ فاصله میان آن‌ها و قائم را از میان برمی‌دارد؛ امام با آنان سخن می‌گوید و آنان سخنان امام را می‌شنوند و او را در جایگاه خود می‌بینند) باز در حدیث دیگر فرمود: "ان المؤمن فی زمان القائم و هو بالمشرق لیری اخاه الذی فی المغرب، و کذا الذی فی



المغرب یری اخاه الذی بالمشرق" (مومن در زمان قائم که در مشرق زندگی می کند برادر خود را که در مغرب است می بیند و همچنین کسی که در مغرب زندگی می کند برادر خود را در که در شرق است مشاهده می کند).

تکیه بر انرژی نور و باد (انرژی های پاک به اصطلاح امروز) از ویژگی های صنعت در جامعه ی آرمانی شیعه است. "در این هنگام زمین با نور روشن می شود و مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند و تاریکی رخت برمی بندد" (اربلی ۳: ۲۶۲). "مهدی (عج) بر ابرها سوار می شود و چنان ترقی در اسباب صورت می گیرد که از ابزارها و اسبابی نظیر حرکت اجرام آسمانی استفاده می کند" (مفید ۱۹۹ / مجلسی ۵۲: ۳۲۱ حدیث ۲۷).

در حدیث قدسی آمده است: "بارها را مسخر خواهم کرد. ابرهای تندرآگین سخت را، برای او رام خواهم نمود. او را از طریق اسبابی [که برای سفر به آسمان هاست] برای سفر به آسمان ها موفق خواهم داشت" (طوسی، علل الشرایع ۷: ۱، حدیث ۱ / حسینی ۸۳۱).

شیوه ی تحقق آرمان

آرمان ها به دو صورت هستند: تحقق پذیر و تحقق ناپذیر. از جمله آرمان های تحقق ناپذیر (ناکجا آبادی) می توان به برخی آرمان های فلسفی نظیر آرمان شهر افلاطون و، به قولی، فارابی اشاره کرد. این آرمان شهرها وجود خارجی ندارند؛ یعنی فقط وجود فلسفی دارند تا الگویی عقلی برای شهر محسوس و تاریخی در این جهان تلقی و واقع شوند.

برعکس، آرمان شهرهای تحقق پذیر آرمان هایی هستند که وجود خارجی خواهند یافت. این آرمان شهرها نیز (که حتمیت تاریخی دارند) به دو صورت هستند: الف) آن هایی که به صورت تاریخی و به دست بشر تاریخی محقق می شوند؛ نظیر مارکسیسم و ... ب) آن هایی که براساس اعتقادات دینی و با مداخله ی مجدد خداوند در تاریخ تحقق می یابند؛ تحقیقی که نه مقدمات آن به طور قطع دست بشر است و نه تاریخ و کیفیت دقیق آن قابل پیش بینی است؛ نظیر مهدویت در اسلام و منجی گرایی مسیحی و دیگر ادیان. درست به همین دلیل است که در شیوه ی ظهور و زمان ظهور حضرت مهدی و تحقق جامعه ی آرمانی شیعه نه تنها نمی توان به طور قطع سخن گفت، بلکه هر نوع اظهار نظر قطعی در این باره منع شده است. با این حال، این نوع آرمان ها نیز طرح می شوند تا الگویی هر چند



ناقص برای دولت‌ها و جوامع قبل از ظهور فراهم کنند. اینک به سه فرضیه در باب دولت مهدوی اشاره می‌کنیم:

فرضیه‌ی انتقام (پایان تاریخ)

فرضیه‌ی انتقام بیشتر ناظر به آن دسته از روایاتی است که حرکت مهدوی را قیام به عنوان منتقم آل محمد (ص) و اهل بیت (ع) معرفی کرده است. وظیفه‌ای که پس از انتقام و حذف دولت‌های جائز به پایان می‌رسد. "قائم ما وقتی قیام کند خون حسین را طلب خواهد کرد" (مجلسی ۲۱۸:۴۴ حدیث ۷). در این فرضیه که بیشتر ناظر به انتقام از مخالفان اهل بیت در درون امت اسلام است، دوران ظهور بی‌آنکه دوره‌ی سازندگی باشد، دورانی پر از ملالت و وحشت کشتار دیده شده است که بیشتر مردم دوست دارند چنین روزی را درک نکرده و نبینند. او انتقام و کشتار خود را از قریش آغاز می‌کند که قبله‌ی پیامبر (ع) است (نعمانی ۲۳۳ حدیث ۱۸). جنگی خشونت‌بار که از درون امت و قبیله‌ی پیامبر شروع شده و البته به لحاظ شدت، از نظر زمانی کوتاه خواهد بود؛ کمتر از هشت ماه (مجلسی ۲۶۱:۳۴).

فرضیه‌ی دولت اقتدارگرا (قدرت فیزیکی)

در این فرضیه، برخلاف فرض اول، نه تنها بر دولت تاکید می‌شود، بلکه تصویری از یک دولت کاملاً اقتدارگرا از دولت مهدوی ارائه می‌دهد. در این دسته از روایات بر واژگانی چون "صاحب شمشیر" (کلینی ۱:۶۳۶ حدیث ۲ / مجلسی ۱۸۹:۲۳ حدیث ۴) و "منصور بالرب" (صدوق ۱:۳۳۰ حدیث ۱۶ / مجلسی ۳۵۶:۵۲، ۳۴۳ حدیث ۱۹). و سلطه‌گر و فاتح و سخت‌گیر (صابری، بشاره المصطفی ۲۰۷) تاکید شده است. البته بسیاری از این روایات به دلایلی چون ضعف سند، تعارض با ادله‌ی صحیح مخالف آن‌ها و نیز ضعف محتوای آن‌ها انتقاد و تضعیف شده است. روایات عمده‌ی آخرالزمانی بیشتر بر وجه شفقت، دوستی و هدایتی مکنون در نظریه‌ی امامت شیعه استوار است. اینک به این فرضیه اشاره می‌کنیم.

فرضیه‌ی دولت اخلاقی مبتنی بر امامت (هدایت)

مبانی امامت شیعه (نظریه‌ی لطف) و نیز بسیاری روایات معتبر نشانه‌های مهمی هستند که نشان می‌دهند فرضیه‌ی دولت اخلاقی - مردمی برای توصیف جامعه‌ی آخرالزمانی یا دولت



مهدوی توصیف پذیرفتنی و معقول تری است. دولت اخلاقی مبتنی بر امامت که جامعه و افراد را به کمال اخلاقی، عقلی و خلاقیت سوق می‌دهد و باورهای مردم را اصلاح می‌کند و موانع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی چنین وضعیتی را برطرف می‌کند؛ "مهدی ما با پرهیزگاری گام برمی‌دارد و براساس هدایت عمل می‌کند و در حکومتش رشوه دیده نمی‌شود" (مجلسی ۲۶۹:۵۲ حدیث ۱۵۸). عدلش فراگیر می‌شود و "خداوند به دست او دروغ را نابود می‌کند و روزگار سخت و رنج‌آور (الزمان الکلب) را می‌برد و بند ذلت انواع بردگی را از گردن تان خارج می‌کند" (مجلسی ۷۵:۵۱ حدیث ۲۹). و آزادی اخلاقی شما را تضمین می‌کند. امام علی (ع) در روایت مفصلی به پیمان‌نامه‌ی اخلاقی حضرت مهدی (عج) با مردم اشاره می‌کند:

با مهدی بیعت می‌کنند که: هرگز دزدی نکنند؛ زنا نکنند؛ دشنام ندهند؛ خون کسی را نریزند؛ آبروی کسی را لطمه نزنند؛ به خانه‌ی کسی هجوم نبرند؛ کسی را به ناحق نزنند؛ طلا و گندم و جو (پول رایج و آذوقه‌ی عمومی) را انبار نکنند؛ مال یتیم را نخورند؛ در مورد چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند؛ مشروب نخورند؛ حریر و خز نپوشند؛ در برابر سیم و زر حریص نباشند؛ راه را بر کسی نیندند؛ راه‌ها را ناامن نکنند؛ گرد هم‌جنس‌بازی نگردند؛ خوراکی‌ها را انبار نکنند؛ قناعت کنند؛ طرفدار پاکی باشند؛ از پلیدی دور شوند؛ به نیکی دعوت کنند؛ از زشتی باز دارند... .

آن حضرت خود نیز تعهد می‌کند که: "از راه آنان برود؛ جامعه‌ای مثل آنان بیوشد؛ مرکبی مانند مرکب آنان سوار شود؛ راضی و قانع باشد؛ زمین را به عدالت رساند و خدا را آن چنان که شایسته است پرستش نماید... ." (صافی ۵۸۱ حدیث ۴).

آینده‌گرایی و جامعه‌ی امروز ایران

تحلیل مسایل سیاسی امروز شیعه و ایران، به طور چشمگیری، بر مفهوم سیاسی غیبت و نه ظهور استوار است؛ زیرا مطابق اندیشه‌ی سیاسی شیعه، غیبت چیزی است که تحقق دارد و اما تاریخ و زمان ظهور و پیدایی جامعه‌ی آرمانی شیعه معلوم و قابل تخمین جدی نیست؛ به عبارتی، هر چند از دیدگاه هستی‌شناختی امر ظهور و تحقق جامعه‌ی آخرالزمانی بنابر اعتقاد شیعه قطعی است؛ زمان و کیفیت آن برای انسان شیعه آشکارا نامعلوم و پیش‌بینی‌نشده است. بنابراین اندیشه‌ی شیعه در عمل با مفهوم غیبت و پیامدهای فقهی - اجتماعی آن سروکار دارد.

از دیدگاه اندیشه‌ی سیاسی، شیعه بر دو دیدگاه عمده تاکنون تاکید کرده است:

۱. تلقی دوره‌ی غیبت به عنوان تقیه‌ی زمانیه، و طرح نظریه‌ی تعطیل حکومت و انتظار مطلق تا تحقق ظهوری که چگونگی و تاریخش نامعین و تخمین‌ناپذیر است... نتیجه‌ی این برداشت تن دادن به حکومت‌های جور است. این نظریه که تاریخی طولانی هم دارد در ایران امروز مشخصاً از سوی جریان‌هایی چون "انجمن حجتیه" و گروه‌های متأثر از آن طرح و تعقیب شده و می‌شود.

۲. طرح ضرورت حکومت و استمرار ولایت که بر نظریه‌ی تداوم حکومت در غیبت و تلاش برای تحقق حداقلی آرمان‌های شیعه در حد امکان و براساس قواعد فقه شیعه می‌اندیشد. در این نظریه، حکومت دوره‌ی غیبت حتی در مطلوب‌ترین وضع خود، از دو جهت ناقص است؛ یکی به دلیل فقدان حاکم معصوم، و دیگری محدودیت‌های قهری دولت غیبت.

برای مثال دولت غیبت بنا به نظر بیشتر فقهای مشهور شیعه برخی از اختیارات مهم معصوم نظیر جهاد ابتدایی را ندارد و بنابراین به لحاظ نظری قادر به طرح استراتژی جنگ و تهاجم نیست و مشروعیتی هم نخواهد داشت. در نتیجه اساس دولت غیبت از نظر نظامی بر دفاع استوار است. در عین حال، دولت غیبت با توجه به آرمان‌های اجتماعی شیعه در راستای تحقق هر چند ناقص آن آرمان در درون جوامع صرفاً شیعی است.

درست به همین دلیل است که مفهوم غیبت و آرمان‌های شیعه به پاشنه‌ی آشیل دولت‌های شیعی در دوره‌ی معاصر بدل شده و می‌شود؛ الف - از یک سو دولت را مجبور می‌کند که براساس این آرمان‌ها عمل کند و هر دولتی که چنین وعده‌هایی دهد را قداست می‌بخشد. ب - از سوی دیگر چون هیچ دولتی تاکنون نتوانسته چنین انتظاراتی را برآورد، اندیشه‌ی مهدویت آشکارا به ابزاری اجتماعی برای مخالفان دولت در نقد و کاستن از مشروعیت و اعتبار دولت و حاکمان در جامعه‌ی امروز شیعه بدل می‌شود. جامعه‌شناسی سیاسی شیعه را باید درون این چارچوب تحلیلی ملاحظه و درک کرد. مهدویت در جامعه‌ی شیعی موتور دو منظوره و شمشیری دو دم است؛ با تکیه بر ضرورت مقابله با ظلم و وجوب کاهش جور در جامعه‌ی شیعی، جریان‌های مبلغ مهدویت را به قدرت می‌رساند؛ و از آن روی که این آرمان‌های سنگین در چند روز و چند سال قابل تحقق نیستند، همین مهدویت با اشاره به ناکامی دولت‌های مستقر، مشروعیت آن‌ها را به طور موثری تخلیه می‌کند.



برای توضیح این وضعیت می‌توان به قانون اساسی ج.ا. ایران و تلقی‌های دوگانه‌ی موجود از آن در جامعه‌ی ایران امروز اشاره کرد: سال ۵۷ مقدمه و اصول این قانون اساسی نویدبخش تحقق آرمان‌های شیعه تلقی می‌شد و مقوم دولت و فلسفه‌ی انقلاب اسلامی ایران بود. امروز هر چند هنوز هم این اندیشه تداوم دارد، لکن می‌توان گفت که وعده‌ها و آرمان‌های مکنون در قانون اساسی خود به معیاری برای نقد دولت‌های بعد از انقلاب تبدیل شده و این دولت‌ها را به بوت‌های نقد اصولی کشانده است. نقد و انکارهای دولت احمدی‌نژاد نسبت به دولت خاتمی، گفتمان خاتمی نسبت به هاشمی و ... به طور کلی، خاتمیت امواج اجتماعی بزرگی می‌سازد و نمایندگان این امواج را به قدرت سیاسی می‌کشاند و سپس به دلیل وضعیت ویژه‌ی این آرمان‌ها حاملان آرمان را در تقابل با محدودیت‌های اجتماعی در منگنه قرار می‌دهد و از حیث رفتار اعتقادی، مشروعیت / مقبولیت آن‌ها را تخلیه می‌کند یا در آستانه‌ی تخلیه می‌برد.

منابع:

۱. آل کاشف الغطاء، محمد حسین. اصل الشیعه و اصول‌ها. بیروت: موسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۳/۱۹۹۳.
۲. اربلی، ابن ابی الفتح. کشف الغمه فی معرفه‌ی الائمه. ۱۳۷۹.
۳. الاصول الستیه عشر. به کوشش جمعی از محدثان.
۴. الانصاری، محمد. فضائل اهل بیت.
۵. البحرانی، میثم بن علی بن میثم. قواعد المرام فی علم الکلام. قم: منشورات مکتبه‌ی آیه‌الله العظمی مرعشی النجفی، ۱۴۰۶.
۶. بحرانی، سیدهاشم، غایه المرام و حجه للحظام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام. ۱۳۸۰.
۷. الحر العاملی، محمد بن حسن. اثبات الهداه: بالخصوص و المعجزات. ۱۳۶۴.
۸. حسینی، سیدشرف‌الدین. تأویل الآیات الظاهره.
۹. صافی، لطف‌الله، منتخب الاثر.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. الاعتقادات فی دین الامامیه. ۱۳۸۴.
۱۱. علل الشرایع.



۱۲. کمال‌الدین و اتمام النعمه فی اثبات الغیبه. ۱۰۵۹ ق.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی. الاحتجاج.
۱۴. طبری، محمد بن محمد. بشاره المصطفی.
۱۵. طوسی، خواجه نصیرالدین. رساله‌ی امامت. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.
۱۶. تهذیب الاحکام.
۱۷. علل الشرایع.
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود. تفسیر عیاشی. ۱۳۷۸.
۱۹. الغفاری، ناصر بن عبدالله علی. اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه: عرض و نقد. قاره، بی‌نا، ۱۹۹۴/۱۴۱۵.
۲۰. المغربی، القاضی نعمان. شرح الاخبار.
۲۱. القرشی، باقر شریف. حیاة الامام المهدی (ع).
۲۲. کلینی الرازی، محمد بن یعقوب. اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۳، ۱۳۸۸ ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار. بیروت: موسسه الوفاء، چ ۲، ۱۴۰۳ هـ.
۲۴. محقق البحرانی. الرائق الناظره.
۲۵. مفید، محمد بن محمد. الاختصاص. ۱۳۷۴.
۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم. الغیبه.